



نسیم قاضی‌زاده

از معدود خوانندگانی که از همان بدو معرفی تا به حال کسی به قدرت خوانندگی و صدای خوشش خرده نگرفته است، محمد اصفهانی است. او که از نسل طلایی خوانندگان موسیقی پاپ بعد از انقلاب است در همان سال‌های ابتدایی که این ژانر موسیقی توانست بار دیگر فعالیتش را آغاز کند، توانست مخاطبان بسیار زیادی را به خود جلب کند، دلپش پرواضح است؛ او هم از مایه‌های موسیقی سنتی و ملی ایران و هم از مایه‌های موسیقی پاپ بهره برده بود. همین ماجرا باعث شد تا طیف مخاطبان او در مقایسه با دیگر هم‌نسلانش گسترده‌تر باشد. او که در رشته پزشکی تحصیل کرده بود، از همان ابتدا با آهنگ‌سازان بنامی همچون کامبیز روشن‌روان، همایون خرم، فریدون شهبازیان و… همکاری کرد اما بعد از سال‌ها فعالیت، انتشار آلبوم، برگزاری کنسرت، اجرای ترانه‌های تیراژ ناگهان غیب شد… او هم همچون علیرضا عصار سال‌ها نه کنسرت داد، نه آلبومی منتشر کرد و نه صدایش از هیچ رسانه‌ای شنیده شد؛ ترجیح داد صدایش به کما برود. حالا بعد از گذشت چندین و چند سال بار دیگر تصمیم گرفته بازگردد؛ آن‌هم نه یک بازگشت معمولی و همچون دیگر خواننده‌ها، آمده تا با ارکستر ملی ایران به رهبری فریدون شهبازیان همکاری کند. این گفت‌وگو درباره رفتن و آمدن اوست و محمد اصفهانی که به ۵۰ سالگی رسیده و سال‌های سکوت را سپری کرده است.

■ شما از ستون‌های اصلی موسیقی پاپ بعد از انقلاب هستید. دلیل اینکه این قدر کم‌کار شده‌اید چیست؟

به من لطف دارید، اما من هم یکی از علاقه‌مندان موسیقی‌ام که در حال کار هستم، فرقم با بقیه علاقه‌مندانی که در این زمینه مشغول به کار هستند این است که آنها هنوز شناخته نشده‌اند و هنوز در مراحل تحصیل یا تکمیل کار هنری‌شان هستند و من این شانس را داشتم‌ام که با اقبال مردم روبه‌رو شوم… علت این کم‌کاری، حال غریبم است. موسیقی برایم یک کار دلی است، انرژی لازم برای این کار را ندارم، خدا را شکر الان حالم بهتر است و مشغول کار هستم.

■ دلیل اینکه حالتان بد بود چه بود؟

عوامل زیادی دخیل بود که طولانی است، اما مهم‌ترینشان دلایل اجتماعی است. سال‌ها در جامعه فضایی حاکم بود که به‌عنوان یک ایرانی مورد پسندم نبود، حتی اگر نجار بودم و این کار را دلی انجام می‌دادم، دستم به کار چوب هم نمی‌رفت. موسیقی با عوامل روحی آدم خیلی سروکار دارد و تأثیر بیشتری می‌پذیرد، من هم مثل خیلی از ایرانی‌هایی که در آن سال‌ها افسرده شدند، بی انگیزه شدم، اما حالا حالت بهتر است.

■ پس دلیل بازگشتان، بهترشدن فعلی شرایط اجتماعی و فرهنگی است؟

بله، گرچه می‌دانم شاید بعضی‌ها با این حرف موافق نباشند.

■ بااین‌حال در زمینه انتشار آلبوم یا تک‌ترک که این سال‌ها خیلی مد شده فعالیتی نداشتید.

اعتقاد به تک‌ترک ندارم، گرچه خیلی از دوستان می‌گویند اشتباه می‌کنی، اما من با آن ارتباط برقرار نمی‌کنم… ترجیح می‌دهم یک مجموعه ارائه کنم تا این‌طور نباشد که برای سرعت بیشتر داندلو؛ حجمش و کیفیتش را کم کند و در فضای مجازی له و مچاله شود. دوست دارم اگر این اتفاق هم افتاد بتوانم بگویم آلبوم در فلان کتاب‌فروشی یا سوپرمارکت فروخته می‌شود یا کیفیت اورجینال، البته همه ما باید خودمان را با شرایط جدید وفق دهیم. تازه‌حال چندتا تک‌ترک داده‌ام، شاید بعد از این هم اعتقادم به این کار بیشتر شود و انجامش بدهم.

■ شاید هم تلاش‌تان این است که خیلی با مد روز پیش روید.

تلاشی نمی‌کنم. این چیزی است که در من می‌گذرد و در کارم نمود پیدا می‌کند. معتقدم موسیقی را باید به‌روز کار کرد، اما به شرطی که امضا و اصالت عوامل در آن حفظ شود. بدون تعصب و منیت، سعی کردم آنچه به آن معتقد بودم را در کارم دنبال کنم.

■ منظورم این است که مثلا خودتان را با جریان‌هایی که در سه، چهار سال اخیر در موسیقی پاپ و تلفیقی باب شده، همسو نکرده‌اید؛ مثل کنسرت‌های خیلی زیادی که ازسوی خواننده‌های ثابت با یک ریپرتوار مشخص تکرار می‌شوند.

چون قبول نداشتم، یکی از اشکالاتی که در کار ما هست، این است که جنبه‌های مالی دارد پررنگ می‌شود. یک ریپرتوار در تهران در یک سال، هزار بار روی صحنه می‌ودید، اما چون پنج سال است آلبوم نداده‌ام و دلم می‌خواهد در هر اجرا کارهایی را به نحو متفاوتی به گوش مردم برسانم و الان امکانش نیست، قبول نمی‌کنم. تصمیم بر این است که تا کار جدیدی ضبط نکرده‌ام، به دنبال کنسرت‌گذاشتن در تهران نباشم. در شهرستان هم جاهایی اجرا بگذارم که مردم کمتر چنین اجراهایی دیده باشند و برایشان حرف جدیدی داشته باشم.

■ جقدر بالا رفتن سن؛ شما را محافظه‌کار کرده است؟

گفت‌وگو با محمد اصفهانی

افسرده و بی‌انگیزه شده بودم



عکس: مهر

همان‌طور که در نشست خبری هم گفتم، این نوع ارکسترها را معمولاً استادانی مانند استاد فرهاد فخرالدینی و دیگران رهبری می‌کنند. من در برابر این استادان شاگرد هستم، بنابراین نمی‌توانم دغدغه‌هایم یا مسائلی را که دوست دارم لحاظ شود، مطرح کنم. نوعی حجب و حیا همیشه مانع این بوده که بتوانم با چنین ارکسترهایی که چنین رهبرهایی دارند همکاری کنم؛ اما با آقای شهبازیان این مسائل را نداشتم، چون آشنایی کاری‌مان جای دیگری شکل گرفته بود. از ابتدای کارم با ایشان شروع کردم و بسیار از ایشان آموختم. با طرز تفکر و سلیقه ایشان کاملاً آشنا بودم و طبیعتاً پاپ مبلم بوده وگرنه نمی‌شد بهرهای که از ایشان بردم استمرار داشته باشد؛ بنابراین وقتی پیشنهاد این کار را دادند با خیال راحت آن را پذیرفتم و همکاری‌ام را شروع کردم.

■ خودتان بهتر می‌دانید که مردم ما به خوانندگان موسیقی پاپ و ملی اقبال زیادی نشان می‌دهند، به همین نسبت نوک پیکان بسیاری از حمله‌ها به سوی آنهاست. همان‌طور که در اجرای قبلی همین ارکستر انتقادهای زیادی متوجه علیرضا افتخاری شد و همین‌طور مشکلاتی در ارکستر وجود داشت که آقای شهبازیان هم آنها را کتمان نمی‌کنند. با وجود این چه شد که باز هم در این راه با گذاشتید؟

نمی‌شود کارهای خوب و بزرگ را به‌دلیل سختی‌هایی که دارند زیر سؤال ببریم و بگویم انجامشان نمی‌دهیم. وقتی روی صحنه می‌روید، چه با یک ارکستر پاپ شش، هفت نفره و چه با ارکستر ۶۰نفره، ریسک‌هایی را قبول می‌کنید. من هم یک انسان هستم و ممکن است جایی شعر یادم برود یا جایی که باید شروع کنم، نکنم؛ آقای افتخاری هم همین‌طور؛ هیچ‌کدام کامپیوتر نیستیم. نباید روی این چیزها خیلی حساس بود. اگر کلیت کار باکیفیت و حساب‌شده و فکرشده و خوب ارائه شد، از خطاهای انسانی که ناشی از طبیعت ماست می‌توان چشم‌پوشی کرد. خدا خطا را بر ما موجه کرده و می‌بخشد؛ بنابراین نباید زیاد روی این چیزها به‌اصطلاح کلید کرد. آقای افتخاری چندین سالال بود که از صحنه دور بودند، بعد از چندین سال، طبیعی است که با وجود اینکه خواننده بسیار توانایی هستند، مانند هر خواننده‌ای تا بیایند و با صحنه اخت و هماهنگ شوند، زمان می‌برد؛ اما خواننده چون بیشترین افتخارات را کسب می‌کند، باید پذیری بیشترین انتقادات هم باشد. چون نظام این جهان این‌گونه است که به‌ای هر چیزی را باید پرداخت کرد. خواننده مثل کسی که در تیم فوتبال گل می‌زند، همیشه زیر ذره‌بین است؛ اما وقتی که گل می‌زند، بیشترین افتخار هم نصیب او می‌شود، همان‌طور که وقتی یک موسیقی خوب است، همه خواننده را تشویق می‌کنند، وقتی هم کار خراب می‌شود خواننده باید مسئولیتش را بپذیرد.

■ آلبوم جدید چه ویژگی‌هایی دارد؟
مثل آلبوم‌های قبلی همچون برکت در سبک پاپ است و نتیجه همکاری با دوستانی است که با هم کار می‌کردیم؛ آقای بهروز صفاریان، آقای کهن‌دیری و دیگران. ترانه‌ها هم از روزبه بمانی، هوشنگ ابتهاج و دوستان دیگر است.

■ بخشی از فعالیت شما به خواندن تیتراژ برمی‌گردد که در این زمینه هم کم‌کار شده‌اید.
همیشه وقتی پیشنهاد کار دارم، داستان یک سریال و شعر و آهنگ تیتراژ را بررسی می‌کنم. الان زمانه عوض شده. دغدغه‌ها و وسواس‌ها را برمی‌تابند چون تقاضا زیاد شده. تهیه‌کننده به‌جای اینکه دغدغه‌ها و وسواس‌های من را بپذیرد و دست‌مزدم را بدهد تا کار را اجرا کنم، از میان پیشنهادهای انبوهی که از سوی خوانندگانی به او رسیده که حاضر هستند برای شناخته‌شدن حتی پول هم بدهند، یکی را انتخاب می‌کند. البته بعضی‌هایشان هم واقعا دربیابورم. چون خوشبختانه احتیاجی به چنین می‌شود یک آغاز جدید و خوب؛ آن زمان این ارتباط‌ها باب نبود؛ خواننده‌ای که برای شناخته‌شدن دست‌مزد نمی‌گیرد هم کار درستی می‌کند، چون ممکن است صدای خوبی داشته باشد، اما به همین تیتراژ روی آنتن برود و بعد خواننده بسیار موفقی شود؛ یعنی ارتباطات

■ جقدر خوب است که آدم به جایگاهی برسد که این چیزها خیالش را از آسودگی خارج کنند. در این سطح کار و در این نسل یکی، دو نفر بیشتر با این ویژگی‌ها وجود ندارند و این یک شک روی گزیده‌کاری هم تأثیر می‌گذارد. با این روحیه و قدم‌های بسیار حساب‌شده، چطور شد که تصمیم گرفتید با ارکستر نوپای ملی همکاری کنید؟
و راه‌های انتخاب تغییر کرده. طبیعی است که در این شرایط آنها کار خودشان را می‌کنند، من هم کار خودم را… اما دلیل نمی‌شود که خودم را به رنگ و لعاب دیگری دربیابورم. چون خوشبختانه احتیاجی به چنین کاری ندارم. همان اصول سال ۸۰ را همین الان هم دارم که باید ارکستراسیون، ترانه و فیلم‌نامه نظرم را جلب کند و مطمئن شوم که در همراهی با این مجموعه خوشحال هستم. می‌دانم که اگر با حال خوش بخوانم، احتمال اینکه مردم هم خوش‌شان بیاید بیشتر می‌شود.

■ جقدر خوب است که آدم به جایگاهی برسد که این چیزها خیالش را از آسودگی خارج کنند. در این سطح کار و در این نسل یکی، دو نفر بیشتر با این ویژگی‌ها وجود ندارند و این یک شک روی گزیده‌کاری هم تأثیر می‌گذارد. با این روحیه و قدم‌های بسیار حساب‌شده، چطور شد که تصمیم گرفتید با ارکستر نوپای ملی همکاری کنید؟
و راه‌های انتخاب تغییر کرده. طبیعی است که در این شرایط آنها کار خودشان را می‌کنند، من هم کار خودم را… اما دلیل نمی‌شود که خودم را به رنگ و لعاب دیگری دربیابورم. چون خوشبختانه احتیاجی به چنین کاری ندارم. همان اصول سال ۸۰ را همین الان هم دارم که باید ارکستراسیون، ترانه و فیلم‌نامه نظرم را جلب کند و مطمئن شوم که در همراهی با این مجموعه خوشحال هستم. می‌دانم که اگر با حال خوش بخوانم، احتمال اینکه مردم هم خوش‌شان بیاید بیشتر می‌شود.

■ جقدر خوب است که آدم به جایگاهی برسد که این چیزها خیالش را از آسودگی خارج کنند. در این سطح کار و در این نسل یکی، دو نفر بیشتر با این ویژگی‌ها وجود ندارند و این یک شک روی گزیده‌کاری هم تأثیر می‌گذارد. با این روحیه و قدم‌های بسیار حساب‌شده، چطور شد که تصمیم گرفتید با ارکستر نوپای ملی همکاری کنید؟
و راه‌های انتخاب تغییر کرده. طبیعی است که در این شرایط آنها کار خودشان را می‌کنند، من هم کار خودم را… اما دلیل نمی‌شود که خودم را به رنگ و لعاب دیگری دربیابورم. چون خوشبختانه احتیاجی به چنین کاری ندارم. همان اصول سال ۸۰ را همین الان هم دارم که باید ارکستراسیون، ترانه و فیلم‌نامه نظرم را جلب کند و مطمئن شوم که در همراهی با این مجموعه خوشحال هستم. می‌دانم که اگر با حال خوش بخوانم، احتمال اینکه مردم هم خوش‌شان بیاید بیشتر می‌شود.

موسیقی

روی خط سل

کنسرت خواننده «یک لحظه عاشق شو»

خواننده آلبوم «یک لحظه عاشق شو» در نخستین اجرای زنده بهاره خود در تهران، ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت در تالار وحدت روی صحنه خواهد رفت. حامی که جدیدترین تک‌آهنگ خود؛ «شوق تنهایی» را چندروز پیش از سال نو در فضای مجازی منتشر کرد و با واکنش‌های جالبی از سوی دوستداران موسیقی و اهالی هنر روبه‌رو شد، با اجرای منتخبی از آثار آلبوم‌هایی چون: فقط نگاه می‌کنم، دلم گرفت، حامی، یک لحظه عاشق شو… به اجرای برنامه خواهد پرداخت. حامی درباره جزئیات بیشتر اجرای مشترکی که قرار بود با هفت نفر از برگزیدگان



تسلط بسیار زیاد داشته باشید تا بتوانید با سیل مهاجم مقابله کنید، نه‌تنها متوقفش کنید، بلکه دلش را بشکافید و جلو بروید و بتوانید از پس تمام سختی‌ها بر بیایید و به مردم حس خوب منتقل کنید. در این صورت است که احساسات خیلی خوبی سراغ‌تان می‌آید و ممکن است کارهایی را در خواندن انجام دهید که حتی در اتاق‌تان به‌تنهایی قادر به انجامش نیستید. یعنی باید یک ارتباط خوبی بین انرژی‌های درونی مردم و نوازندگان ارکستری که پشت‌سرتان می‌نوازند با خودتان برقرار کنید. بعد از آن دیگر همه‌چیز به روح و ریحان تبدیل می‌شود. اگر آن ارتباط شکل نگیرد کار بسیار سختی خواهد بود. این جریان در یک ارکستر ۶۰نفره بسیار قدرتمندتر است. اینها حالت‌های روحی است که می‌شود درک کرد اما نمی‌شود وصفشان کرد. باید در این شرایط واقع شد…

■ الان که سر تمرین‌ها هستید، چطور پیش می‌روند؟

خوب است اما هنوز کافی نیست. امیدواریم بهتر هم شود چون ادامه خواهد داشت.

■ حالا که تجربه‌های بسیاری را پشت‌سر گذاشته‌اید و دوره‌های پرکاری و کم‌کاری داشته‌اید، وقتی به گذشته نگاه می‌کنید، کاری هست که از اجرای آن رنجشیمان شده باشید؟
خوشبختانه نه.

■ آفتی که برای آینده خودتان در نظر گرفته‌اید، چیست؟ دوست دارید به کجا برسید؟

دوست دارم به موقعیتی برسم که با آنچه خداوند در اختیارم قرار داده، بتوانم حال مردم را خوب کنم. اگر خداوند قدرت خواندن را به من عطا کرده و اگر به لطف او می‌توانم طوری بخوانم که توجه دیگران را جلب کنم، این قدرت را برای رضایت خودش و خوشحال‌کردن همین مردم صرف کنم. بتوانم شعرهای خوب بخوانم، انرژی‌های مثبت و خوب به مردم منتقل کنم و اگر غمی به مردم القا می‌کنم، مخدر نباشد، بلکه سازنده باشد. چون غم هم بخشی از زندگی است. در زندگی واقعی هم کسی را پیدا نمی‌کنید که بگوید در ۹۰ سال زندگی‌ام همه روزها را خوشحال بوده‌ام و خندیده‌ام. اما غمی که کم‌کم کند که اگر زمین خوردم، دوباره بلند شوم، کمر راست کنم و ادامه راهم را بروم، من آن غم را می‌گویم که دوستش دارم و برایش احترام زیادی قائلم. همین‌طور دوست دارم خوشحالی‌ای که به مردم می‌دهم هم از آن نوعی نباشد که حکم مخدر را داشته باشد و کسی را از حالت طبیعی خارج و وادار به کارهایی کند که در شانش نیست. این نظر من است و دیگران هم نیست به نظری که دارند مسئولیت‌هایی را می‌پذیرند.

■ به نظر می‌آید آثار موسیقی این روزها را هم گوش می‌کنید.

بله باید گوش کنم. چون این حرفه و شغل را انتخاب کرده‌ام. وگرنه مثل کسی است که پزشکی بخواند و بگوید هارسونی که امسال آمد را نخواندم. در حالی که باید در جریان همه چیزهای جدید قرار گیرد.

■ الان موسیقی پاپ را چطور می‌پسند؟

این موسیقی درخور و باب طبع کسانی است که قسمت اعظم قشر موسیقی پاپ را تشکیل می‌دهند یعنی بچه‌های جوان‌تر. فقط می‌توانم از بعضی از موسیقی‌های پاپ جدیدی که آمده تشکر کنم چون شعرهای خوبی به مردم ارائه می‌کنند. شعر ستون و رکن اصلی موسیقی باکلام است. اگر بتوانید یک شعر خوب تلفیق‌شده با موسیقی را به مردم ارائه دهید، مثل این است که یک هدیه ارزشمند را به آنها کادو داده‌اید. دیده‌ام بعضی از این دوستان که خوشبختانه کارشان با استقبال روبه‌رو شده، شعرهای خوبی استفاده می‌کنند. از خود این دوستان و کسانی که با آنها مشورت کرده‌اند و راه را نشانشان داده‌اند باید تشکر کرد و امیدوارم همیشه در اوج باشند.

■ جریان موسیقی تلفیقی را هم دنبال می‌کنید؟

بله، یکی از علائق خودم است. الان قرن ارتباطات و رسانه‌های جمعی و فضای مجازی است. هیچ زحمتی ندارد که در جریان همه‌چیز باشید فقط کافی است وقت بگذارید. من هم وب‌گردی می‌کنم و چیزهایی مثل این موسیقی که دوستش دارم را دنبال می‌کنم.

ادامه از صفحه ۱۰

نسل من نسل جنگنده‌تری بود

کل اجرای نمایش «کافه پولشری» نزدیک ۴۸،۴۷ دقیقه است و پارت اول آن ۲۰ دقیقه. بقیه آن مربوط به پارت دوم است که اتفاقات مهمی در آن می‌افتد. در پارت اول انگار مخاطب دارد به پارت دوم هل داده می‌شود، اما در پارت دوم دیگر نمی‌شود شتاب‌زده عمل کرد چون تمام چکیده متن و هدف من به‌عنوان کارگردان در آن پارت قرار دارد و باید به دل مخاطب بنشیند.

■ شما برای اولین کارگردانی‌تان یک نمایش‌نامه مونولوگ را انتخاب کردید که کارگردانی آن بسیار سخت است، چون در مونولوگ خیلی چیزها از جمله میزانشن‌ها، ریتم و جنس بازی باید حرفه‌ای باشد تا مخاطب خسته نشده و آن را رها نکند. چرا برای اولین تجربه کارگردانی روی صحنه، اجرای یک نمایش‌نامه مونولوگ را انتخاب کردید و چطور توانستید اتفاقات منفی‌ای را که در مونولوگ ممکن است به وجود بیاید مهار کنید تا مخاطب سالن تئاتر را ترک نکند؟

صادقانه بگویم که وامدار توانایی‌ام در بازی مونولوگ هستم. من قبلاً تجربه بازی مونولوگ را داشته‌ام که جدیدترینش در نمایش‌نامه «سه‌گانه اورنگ» به کارگردانی آقای محمد حاتم‌ی بود. قبلاً در آنجا هم خودم را به تیم اجرایی اثبات کردم. به خاطر دارم که آقای باراحمدی دوست داشت اول مونولوگ آن نمایش‌نامه را عوض کند. اما من آن را در حضور آقایان حاتم‌ی، باراحمدی و نادری اجرا کردم و همه اذعان کردند که یک اتفاق جدید رخ داده و پذیرفتند که مونولوگ به همان شکل ازسوی من اجرا شود. به نظرم در وهله اول متن باید بضاعت مونولوگ‌گفتن را داشته باشد و بعد بازیگر بتواند آن را به‌خوبی هدایت کند تا تماشاگر گریز نشود.

من بعد از مشاوره‌رفتن از خانم شیوا اردویی، اولین تمرین‌هایم را با آقای علی بوستان به‌عنوان طراح صدا و موسیقی انجام دادم چون اعتقاد داشتم که این نمایش به طراحی صوت و موسیقی احتیاج دارد. آقای بوستان در صحبت‌هایمان یک پیشنهاد بامزه‌ارانه داد که برای نمایش، صدای ذهنی بگذاریم؛ مثلاً علی بوستان پیشنهاد کرد که زمان زیرگرفته‌شدن مرد به‌وسیله کامیون، صدای کامیون بگذاریم. علی بوستان مثال‌هایی آورد که فکر مرا به سمت شیوه اجرای فانتزی برد که نمی‌خواستم نمایشم فانتزی شود. بنابراین به آقای بوستان گفتم که دوست دارم شیوه نمایشم کار دربیاید چون می‌خواهم حرفی که نمایش دارد می‌زند، کاملاً روی مردم تأثیر بگذارد. بعد از آن خودم به این نتیجه رسیدم که نمایش را با این تحلیل جلو ببریم که هر آدمی یک ماسک قفسه دارد که دیگران آن را نمی‌بینند. درواقع ذهن آدم ناخودآگاه حرف‌های خصوصی خودش را می‌زند، اما دیگران آن را نمی‌شنوند که ما تصمیم گرفتیم آن قفهای ذهن را به نریشن تبدیل کنیم، به‌طوری‌که روی کلام بازیگر قرار گیرد. آقای بوستان ابتدا به‌خاطر امکانات سخت‌افزاری کافه تریلی با این پیشنهاد مخالفت می‌کرد، اما در نهایت آن را تست کردیم و الان آن ایده را با یک اسپیکر یک باند و یک لپ‌تاپ اجرا می‌کنیم. خدا را شکر که تا‌به‌حال به مشکلی برخورداده‌ایم. این اتفاق خودش باعث می‌شود که مونولوگ به‌لحاظ رنگی و حسی تکفیک شده و پاساژ‌های آن مشخص شود. البته من هنوز هم خیلی از اتفاقات نمایش را تغییر می‌دهم تا اجرای هر شب بهتر از اجرای شب گذشته شود.

■ قیمت بلیت اجرا در کافه را هم خود شما تعیین کردید؟

بله. قیمت بلیت قبل از بستن قرارداد با گالری گرامی مشخص شد. به من گفتند که برای هر اجرا در کافه‌تیرا، ۲۰ درصد از درآمد اجراییان کم می‌شود. من دیدم که اگر قرار است برای اجرا در کافه تیرا هم همان مبلغی که برای اجرا در سالن سایه کم می‌شود را از من کم کنند، پس قیمت بلیت را همان ۲۰ هزار تومان در نظر بگیرم چون همان‌طور که اشاره کردم، گروه من یک گروه حرفه‌ای و طرازاول است که هرکدام از اعضای آن دستمزدشان بالاست و باید درآمد آنها تأمین شود. به من گفته بودند که قیمت بلیت را ۱۵۰ هزار تومان در نظر بگیرید که من دلایل را ذکر کردم و خوشبختانه پذیرفتند که قیمت بلیت برای هر تماشاگر ۲۰ هزار تومان باشد که از این مبلغ پنج درصد هم به سهامانه تیوال می‌رسد، به همین خاطر است که می‌گویم حضور تهیه‌کننده می‌تواند قوت‌قلب باشد تا گروه اجرایی تمرکزش را روی اجرا بگذارد. خوشحالم که الان گروه‌ای را حمایت می‌کنند که دوست دارند کار خوب ما دیده شود.

■ به‌عنوان یک بازیگر و کارگردان خلق هر شب کاراکتر خانم پولشری را بازی می‌کنید. در هر اجرا ممکن است فکرای جدیدی به ذهنتان برسد که این فکرها بعضاً مخرب و گاهی اوقات هم پیش‌برنده هستند، برای پیشرفت در کار این فکرها را چگونه کنترل می‌کنید؟

در این زمینه داشتن یک تیم کارگردانی خوب خیلی به آدم کمک می‌کند. من در گفت‌وگوهایی که با شیوا اردویی و سروناز نانگلی داشتم، سلیقه‌های جدیدی را فهمیدم و در جاهای مختلف هم‌فکری‌هایم انجام دادم تا اینکه بهترین تصمیمات ممکن گرفته شد. زمان ما برای اجرا کم بود و تمریناتمان خیلی فشرده و پشت‌سرهم برگزار شد. من به کارم و به شیوا اردویی اعتماد کردم. گرچه یک جابایی فکرمان در تضاد با هم بود، اما در نهایت با هم به یک دید مشترک می‌رسیم و کار را جلو می‌بریم. مهم‌ترین اتفاقی که من هر شب با آن مواجه هستم، تماشاگر است. من با تماشاگر ارتباط چشمی دارم که در این ارتباط یک شب کم است. است تماشاگر خوب برخورد کند و یک شب بد. خوشبختانه در چند شبی که ما روی صحنه رفتیم، ارتباط تماشاگر خوب بوده است. من از اول با تماشاگران در سالن مستسم و دقیق نگاه می‌کنم که چه‌کسی در کجا می‌نشیند و من قرار است که دیالوگم را روبه‌روی چه کسی بگویم. این برای من تجربه خیلی جذاب و جالبی است.

تمثیل و معنا

مشکلی که کار را برای این نمایش از این هم خراب‌تر می‌کند، حربه‌ای است که به‌واسطه آن تلاش شد ضعف بنیادین متن جبران شود؛ ماجرای غریب قبلی که از تخم بیرون آمده و در اتاقی تاریک نگهداری می‌شده، طعنه‌ای است به مثل مشهور مولانا؛ پیل اندر خانه‌ای تاریک بود/ عرضه را آورده بودندش هنود. خطرناک‌ترین حربه برای تئاتری چون «تاریکی»، نغمه صحرایا توهی به استقبالی موسیقی‌های پاپ جدیدی که آمده تشکر کنم چون شعرهای خوبی به مردم ارائه می‌کنند. شعر ستون و رکن اصلی موسیقی باکلام است. اگر بتوانید یک شعر خوب تلفیق‌شده با موسیقی را به مردم ارائه دهید، مثل این است که یک هدیه ارزشمند را به آنها کادو داده‌اید. دیده‌ام بعضی از این دوستان که خوشبختانه کارشان با استقبال روبه‌رو شده، شعرهای خوبی استفاده می‌کنند. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت این کنسرت که در تاریخ ۲۶ اردیبهشت، ساعت ۲۱:۳۰ به همت مؤسسه فرهنگی – هنری «نغمه صحرای» برگزار می‌شود، می‌توانند از اواسط هفته جاری به سایت «تیوال» مراجعه کنند. این کنسرت در سالن هنرسازی خورشید این شهر اجرا می‌شود.